

Critical Analysis of Child Development Stages in Erikson’s Psychosocial Theory from the Perspective of Qur’anic and Hadith Teachings: An Interdisciplinary Study

Khani Mohammad-Javad*¹, Mohammadi Anviq Mojtaba², Akbarnezhad Mahdi³

1-PhD Student, Ilam University, Ilam, Iran.
2-Assistant Professor, Ilam University, Ilam, Iran.
3- Professor, Ilam University, Ilam, Iran.

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper	Erikson’s psychosocial theory describes human personality development across eight distinct stages. This interdisciplinary study, drawing on both psychological literature and Islamic teachings, compares the first four stages of Erikson’s theory (from birth to age 11) with Qur’anic and narrational (hadith) sources. The findings indicate that although certain practical similarities exist between the two frameworks—such as the emphasis on fostering trust, gradual autonomy, and the role of the environment—there are fundamental differences in their underlying anthropological assumptions. From an Islamic perspective, several components of Erikson’s early stages, including the mother’s role in breastfeeding, toilet training, and the importance of play, are generally affirmed. However, concepts such as the Oedipus/Electra complex or the notion of innate gender-based jealousy are incompatible with the Islamic view of human primordial purity (fitrah). Furthermore, Islamic teachings provide a more comprehensive developmental framework through guidelines such as the etiquette of breastfeeding, honoring children, and the gradual introduction of religious practices. While Erikson conceptualizes development as linear and universal, Islamic teachings demonstrate greater flexibility by accounting for individual and cultural-religious variations. For example, Islam encourages fostering competence without inducing feelings of inferiority, and supports children’s natural curiosity without exposing them to premature sexual content. The study concludes that integrating developmental psychology with Islamic foundational principles can contribute to forming a more culturally grounded and comprehensive model for child upbringing.
KEYWORDS: Child development stages, developmental theories, psychosocial theory, Erik Erikson, Qur’anic and narrational teachings, interdisciplinary studies.	
Received: 2025/12/22 Accepted: 2026/04/27	
*Corresponding author: khani.mohammadjavad@gmail.com	
How to cite this paper: Khani M.J., Mohammadi Anviq, M., Akbarnezhad, M., (2026). Critical Analysis of Child Development Stages in Erikson’s Psychosocial Theory from the Perspective of Qur’anic and Hadith Teachings. <i>Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology</i>. 3(1): 27-46.	



نقد و بررسی مراحل رشد کودک در نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون از منظر آموزه‌های قرآنی و روایی؛ پژوهشی میان رشته‌ای

محمدجواد خانی^{۱*}، مجتبی محمدی انویق^۲، مهدی اکبرنژاد^۳

۱- دانشجوی دکتری، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

۲- استادیار، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

۳- استاد، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون تحول شخصیت انسان را در هشت مرحله توصیف می‌کند. این پژوهش در یک مطالعه‌ی میان رشته‌ای مربوط به منابع روانشناسی و آموزه‌های اسلامی، چهار مرحله‌ی نخست (تولد تا ۱۱ سالگی) از مراحل رشد کودک در نظریه روانی-اجتماعی اریکسون را با آموزه‌های قرآنی و روایی مقایسه می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که هرچند در سطح کاربردی شباهت‌هایی بین این دو وجود دارد (مانند اهمیت اعتمادسازی، استقلال تدریجی و نقش محیط)، اما در مبانی انسان‌شناختی تفاوت‌های اساسی دیده می‌شود. از منظر اسلامی، مراحل رشد اریکسون در مواردی مانند نقش مادر در شیردهی، آموزش توالت و اهمیت بازی مورد تأیید است. اما مفاهیمی مانند عقده ادیپ/الکتر یا ذاتی دانستن حسادت جنسیتی با فطرت پاک در اسلام ناسازگارند. همچنین، اسلام با راهکارهایی مانند آداب شیردهی، تکریم کودکان و آموزش تدریجی عبادات، چارچوبی جامع‌تر ارائه می‌دهد. اریکسون رشد را خطی و جهان‌شمول می‌داند، در حالی که آموزه‌های اسلامی با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی و فرهنگی-دینی انعطاف بیشتری نشان می‌دهند. مثلاً در اسلام تشویق به کارایی بدون القای حقارت، یا پذیرش کنجکاوای کودک بدون تحریک جنسی زودرس توصیه می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد که ادغام یافته‌های روان‌شناسی رشد با مبانی اسلامی می‌تواند به الگوی بومی جامع‌تری برای تربیت کودکان بینجامد.	نوع مقاله: علمی پژوهشی واژگان کلیدی: مراحل رشد کودک، نظریه‌های رشد، نظریه روانی-اجتماعی، اریک اریکسون، آموزه‌های قرآنی و روایی، مطالعات میان رشته‌ای. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷ * پست الکترونیکی نویسنده مسئول: khani.mohammadjavad@gmail.com ارجاع: خانی، م.ج.، محمدی انویق، م.، اکبرنژاد، م.، ۱۴۰۵، نقد و بررسی مراحل رشد کودک در نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون از منظر آموزه‌های قرآنی و روایی، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۳(۱): ۲۷-۴۶.

مقدمه

تربیت و هدایت انسان به سوی کمال مطلوب، همواره یکی از دغدغه‌های اساسی مکاتب فکری و به‌ویژه ادیان الهی بوده است. در این میان، دوران کودکی به دلیل نقش بنیادین و تأثیر عمیق آن در شکل‌گیری ساختار شخصیتی افراد، از اهمیتی استثنایی برخوردار است (سیف و دیگران، ۱۳۹۵: ۸-۱۰). هم‌زمان با پیشرفت علوم روانشناسی و تربیتی، نظریه‌های متعددی در باب رشد و تحول کودک ارائه گردیده است. نظریه رشد روانی-اجتماعی اریک اریکسون، به‌عنوان یکی از نظریات شاخص در این حوزه، فرآیند رشد انسان را از بدو تولد تا دوران کهنسالی در قالب هشت مرحله متمایز توصیف می‌کند؛ که چهار مرحله آغازین آن به دوران کودکی اختصاص یافته است (فیست و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۵۴-۳۵۵).

با وجود جامعیت و شهرت گسترده‌ی نظریه اریکسون، این رویکرد از منظر برخی صاحب‌نظران با چالش‌ها و نقدهای جدی مواجه است؛ به عنوان نمونه، مک‌لئود، در تحلیل نظریه اریکسون به کاستی‌های مهمی اشاره می‌کند. نخست آن که این نظریه، مکانیسم‌های دقیق حل بحران‌های روانی-اجتماعی را به وضوح تبیین نمی‌کند. دوم آن که برخورداری از سوگیری فرهنگی غربی است و ارزش‌های فردگرایانه را مبنای جهانی قرار داده، در حالی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، مفاهیمی مانند هویت و استقلال به گونه‌ای دیگر تعریف می‌شوند. سوم آن که بحران‌های مطرح شده در نظریه، ممکن است صرفاً محدود به یک مرحله سنتی نباشند و در دوره‌های مختلف زندگی مجدداً ظهور کنند که این امر خطی بودن مراحل رشد را زیر سؤال می‌برد (McLeod, 2018: 25,26).

همچنین برخی روانشناسان به ماهیت خطی و سخت‌گیرانه نظریه روانی-اجتماعی اریکسون، که رشد انسان را به عنوان یک مسیر جهان‌شمول، متوالی و غیرقابل بازگشت از هشت مرحله از پیش تعریف‌شده در نظر می‌گیرد، اشکال گرفته‌اند؛ منتقدان استدلال می‌کنند که این مدل ممکن است، وابستگی رشد به اتفاقات گوناگون زندگی را به درستی منعکس نکند، چرا که رویدادهای عمده (مانند از دست دادن عزیزان یا تغییرات شغلی) می‌توانند بحران‌های مرتبط با مراحل قبلی را دوباره فعال کنند و این ایده که هر بحران تنها یک بار و برای همیشه در سنی مشخص حل می‌شود را به چالش بکشند. به عبارت دیگر، رشد روانی-اجتماعی احتمالاً بیش از آنکه یک خط‌راستی صرف باشد، فرآیندی چرخه‌ای و منعطف است (Sneed, Whitbourne, & Culang, 2006: 149).

اما با وجود این انتقادات، این نظریه با محوریت قرار دادن تعامل فرد با محیط اجتماعی و بحران‌های هویتی ناشی از این تعاملات، چارچوبی مفهومی برای درک فرآیند رشد ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، دین مبین اسلام نیز مجموعه‌ای غنی و دقیق از آموزه‌ها و دستورالعمل‌ها را در زمینه تربیت و رشد همه‌جانبه انسان، از جمله در دوران حساس کودکی، عرضه داشته است. این آموزه‌ها، که ریشه در آیات قرآن کریم و سنت نبوی (ص) و سیره اهل بیت (ع) دارند، بر اصولی چون فطرت الهی، کرامت ذاتی انسان و مسئولیت‌پذیری در قبال تربیت نسل آینده تأکید می‌ورزند.

با عنایت به اهمیت نظریه اریکسون در روانشناسی رشد و ضرورت ارزیابی و سنجش نظریات علوم انسانی از منظر مبانی و ارزش‌های اسلامی، این پژوهش در یک مطالعه‌ی میان رشته‌ای بین منابع روانشناسی و آموزه‌های اسلامی، در صدد نقد و بررسی مراحل اولیه رشد کودک (چهار مرحله نخست) در نظریه اریکسون با استناد به آموزه‌های قرآنی و روایی برآمده است. اهمیت این تحقیق از آن روست که جوامع اسلامی، در عین بهره‌گیری از دستاوردهای نوین علمی، نیازمند آنند که این یافته‌ها را با محک اصول ارزشی و فرهنگی خویش بسنجند. ترویج و پذیرش بی‌قید و شرط و بدون نقد نظریات غربی می‌تواند چالش‌های فرهنگی و تربیتی قابل توجهی را برای این جوامع به همراه داشته باشد. بنابراین، انجام یک نقد مستدل و مبتنی بر مبانی اسلامی از نظریه اریکسون، می‌تواند به متخصصان، مربیان و والدین مسلمان یاری رساند تا با بصیرت و آگاهی بیشتری از جنبه‌های مثبت و قابل انطباق این نظریه در چارچوب ارزش‌های اسلامی بهره‌مند شده و از پذیرش وجوه ناسازگار و متعارض آن پرهیز نمایند.

سوال اصلی این پژوهش:

میزان همخوانی و ناهمخوانی نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون با آموزه‌های اسلامی در حوزه مراحل اولیه رشد کودک (تولد تا ۱۱ سالگی یا تولد تا پیش از دوران بلوغ) چیست و چگونه می‌توان از این مقایسه برای تدوین الگوی تربیتی جامع‌تر بهره برد؟

هدف اصلی این پژوهش، تبیین میزان انطباق یا تعارض مراحل رشد کودک در نظریه اریکسون با آموزه‌های قرآنی و روایی، و به تبع آن، ارائه یک تحلیل انتقادی از این نظریه از منظر اسلامی است. اهداف جزئی پژوهش شامل موارد زیر می‌باشند: شناخت دقیق و عمیق‌تر نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون، استخراج و دسته‌بندی آموزه‌های مرتبط اسلامی از قرآن و روایات، و در نهایت، شناسایی نقاط قوت و ضعف نظریه اریکسون به‌منظور امکان‌سنجی کاربرد آن در جوامع اسلامی است.

مرور پیشینه‌ها:

نظریه رشد اریکسون به طور گسترده در آثار مرجع روانشناسی رشد و شخصیت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (برای نمونه: "نظریه‌های شخصیت" فیست و همکاران، ۱۳۹۸ش؛ "مقدمات روانشناسی اریکسون" ترجمه خداوردیان و حسن‌زاده، ۱۳۹۹ش؛ "نظریه‌های شخصیت" شولتز و شولتز ترجمه سیدمحمدی، ۲۰۱۳م). در حوزه مطالعات اسلامی، پژوهش‌هایی به بررسی ارتباط میان مراحل رشد اریکسون و سلامت روانی پرداخته‌اند (مانند کیانپور قهفرخی و همکاران، ۱۳۸۱ش و ۱۳۸۶ش) و برخی دیگر به معرفی و تبیین مراحل هشت‌گانه اریکسون همت گماشته‌اند (آقایی، ۱۳۹۶ش). همچنین، محرمی و همکاران (۱۳۹۰ش) به تحلیل شخصیت‌ها بر اساس چارچوب نظری اریکسون پرداخته‌اند.

پایان‌نامه‌ای از انواری (۱۳۹۶ش) به نقد نظریه اریکسون از منظر دینی پرداخته، اما تمامی مراحل رشد، از کودکی تا بزرگسالی، را در بر گرفته است. پژوهش حاضر، برخلاف آن، به طور خاص بر چهار مرحله اول

(دوران کودکی) تمرکز نموده و رویکردی متمایز در تحلیل و نقد ارائه می‌دهد. علی‌رغم وجود این تحقیقات، پژوهشی که به صورت متمرکز و با اتخاذ رویکردی انتقادی، به مقایسه چهار مرحله نخست نظریه اریکسون با آموزه‌های قرآنی و روایی پردازد، کمتر به چشم می‌خورد. این پژوهش با ارائه تحلیلی دقیق‌تر و متمرکز بر دوره کودکی، در صدد است تا این خلأ پژوهشی را تا حدودی مرتفع سازد.

روش پژوهش

این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است. گردآوری اطلاعات با مراجعه به منابع اصلی نظریه اریکسون و متون دینی (قرآن، تفاسیر و کتب حدیثی) و تحقیقات مرتبط، به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در بخش توصیفی، به تشریح دقیق و مبانی نظری مراحل چهارگانه اولیه رشد روانی-اجتماعی اریکسون و همچنین استخراج و تبیین آموزه‌های مرتبط قرآنی و روایی در خصوص رشد و تربیت کودک پرداخته شده است. در بخش تحلیلی، وجوه اشتراک و افتراق میان این دو دیدگاه مورد بررسی، مقایسه و نقد قرار گرفته است.

جامعه پژوهش: جامعه پژوهش در این تحقیق، مجموعه‌ای از متون و منابع علمی و دینی را شامل می‌شود. این منابع عبارتند از:

آثار اصلی و ترجمه‌شده اریکسون مرتبط با نظریه رشد روانی-اجتماعی، قرآن کریم و تفاسیر معتبر آن، کتب حدیثی و روایی شیعه و سنی، کتب و مقالات علمی مرتبط با روانشناسی رشد، نظریه‌های شخصیت، و مطالعات تطبیقی اسلام و روانشناسی.

ابزار گردآوری داده‌ها: ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری از منابع مکتوب و دیجیتال ذکر شده در بخش جامعه پژوهش بوده است. در این راستا، ابتدا مفاهیم کلیدی و مراحل رشد در نظریه اریکسون شناسایی و اطلاعات مربوط به آن‌ها از منابع اولیه و ثانویه استخراج گردید. سپس، با جستجو در قرآن، تفاسیر و مجامع روایی، آیات و روایات مرتبط با هر یک از مراحل سنی مورد بحث و مفاهیم متناظر با آن‌ها گردآوری شد. پایایی و روایی داده‌های برگرفته از متون دینی بر اساس اعتبار منابع و وثاقت روایات (در حد امکان و با اتکا به بررسی‌های پیشین محققان علوم حدیث) و در مورد نظریه اریکسون بر اساس استناد به آثار اصلی و شرح‌های معتبر آن، تضمین شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه کیفی و با رویکرد تحلیلی-مقایسه‌ای صورت گرفته است. پس از گردآوری اطلاعات مربوط به هر یک از چهار مرحله نخست رشد از دیدگاه اریکسون و همچنین آموزه‌های اسلامی، ابتدا توصیفی از هر دیدگاه ارائه شده است. سپس، این دو دیدگاه در هر مرحله با یکدیگر مقایسه شده و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها مشخص گردیده است. در ادامه، با استناد به مبانی انسان‌شناختی و ارزشی اسلام، به نقد و ارزیابی جنبه‌های مختلف نظریه اریکسون، به‌ویژه در موارد تعارض با آموزه‌های دینی، پرداخته شده است. استنتاج نهایی بر اساس جمع‌بندی این تحلیل‌ها و مقایسه‌ها صورت پذیرفته است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، پس از معرفی اجمالی اریک اریکسون و نظریه او، چهار مرحله نخست رشد از دیدگاه وی و سپس نقد و بررسی هر مرحله از منظر آموزه‌های قرآنی و روایی ارائه می‌شود.

اریک اریکسون، پس از تجاربی چون بحران هویت، به حوزه روانکاوی وارد شد و به تدریس پرداخت و نهایتاً نظریه رشد روانی-اجتماعی خود را مطرح ساخت (کرین، ۱۴۰۰: ۴۴۱؛ شولتز و شولتز، ۲۰۱۳: ۲۶۹). نظریه او، با وجود تفاوت‌هایی، در ادامه مسیر نظریه فروید قرار دارد. برخلاف فروید که تمرکزش بر دوران کودکی و غرایز ذاتی بود، اریکسون دیدگاهی مادام‌العمر به رشد داشت، بر اهمیت "خود" (Ego) تأکید ورزید و نقش عوامل اجتماعی و محیطی را در فرآیند رشد بسیار مهم تلقی کرد (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳: ۲۶۸). از منظر اریکسون، رشد شخصیت نتیجه تعامل میان عوامل فردی و اجتماعی است (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳: ۲۷۲). او انسان را موجودی در حال تغییر در طول زندگی می‌دانست و رشد روانی-اجتماعی را متأثر از محیط پیرامون قلمداد می‌کرد. مفهوم "خود" در این نظریه، تحت تأثیر محیط و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد (شعبانی، ۱۴۰۰: ۱۸۴).

مراحل هشت‌گانه رشد اریکسون عبارتند از: ۱. اعتماد بنیادین در مقابل بی‌اعتمادی بنیادین؛ ۲. خودگردانی در مقابل شرم و تردید؛ ۳. ابتکار در برابر احساس گناه؛ ۴. کارایی در برابر احساس حقارت؛ ۵. کسب هویت در مقابل ابهام هویت (بحران هویت)؛ ۶. صمیمیت در مقابل انزوا و در خود فرورفتن؛ ۷. زاینده‌گی در برابر رکود؛ ۸. انسجام در مقابل نومیدی و انزجار (اریکسون، ۱۳۹۹: ۶۱ تا ۱۱۲). این پژوهش بر چهار مرحله نخست، یعنی از تولد تا حدود یازده سالگی، تمرکز دارد (نک: آنسلمو ۱۳۷۹: ۳۲).

نقد مرحله اول (اعتماد بنیادین در مقابل بی‌اعتمادی بنیادین؛ تولد تا یک سالگی):

این مرحله، که دوران شیرخوارگی را شامل می‌شود (ERIKSON, 1950: 234)، زیربنای شکل‌گیری شخصیت سالم تلقی می‌گردد. اعتماد بنیادین به معنای خوش‌بینی معقول کودک نسبت به محیط اطراف است (همو، ۱۳۹۹: ۶۱ و ۶۲). نشانه‌های آن در راحتی هنگام تغذیه و خواب، آرامش دستگاه گوارش، و اعتماد به بدن خویش ظاهر می‌شود (کرین، ۱۴۰۰، ۴۴۶؛ ERIKSON, 1950: 219). عدم شکل‌گیری این اعتماد می‌تواند به مشکلاتی چون روان‌پریشی و گوشه‌گیری منجر شود (اریکسون ۱۳۹۹: ۶۲).

از منظر اسلام، در این مرحله، گریه و شیر خوردن نوزاد دارای اهمیت است (مفضل بن عمر، ۱۳۷۹: ۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۶۸/۲۱؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۵۰۸). این مرحله در پایه‌گذاری شخصیت نقشی اساسی دارد. اریکسون نیز بر این باور است که کسب اعتماد بنیادین، احتمال بروز مشکلاتی نظیر اعتیاد و دزدی را در آینده کاهش می‌دهد (اریکسون، ۱۳۹۹: ۶۹). فقدان اعتماد می‌تواند منجر به کناره‌گیری و بروز علائمی چون روان‌پریشی و امتناع از غذا خوردن شود (برک، ۲۰۱۴: ۳۸۴/۱). اسلام حداقل مدت شیردهی را ۲۱ ماه تعیین

کرده و روایات، شیردهی کمتر از این مدت را نوعی ظلم به کودک می‌دانند (احقاف: ۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۴۰/۶). اهمیت گریه نوزاد در روایات مورد تأکید قرار گرفته (مجلسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۳۴) و نقل شده که پیامبر (ص) از طولانی کردن نماز در هنگام شنیدن گریه کودک خودداری می‌کردند. مطالعات علمی نیز تأثیر گریه نوزاد بر رفتارهای بعدی او را تأیید کرده‌اند (Smarius, 2017:8). بی‌توجهی به نیازهای این مرحله می‌تواند به مشکلات عاطفی و ناهنجاری‌های اجتماعی منجر شود. حواس نوزاد در این مرحله فعال هستند (اریکسون، ۱۳۹۹: ۶۳) و روایات اسلامی بر معاشرت مناسب زن و شوهر حتی در حضور نوزاد تأکید دارند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۰۰/۵). اریکسون معتقد است کودک در این مرحله حس مالکیت پیدا کرده و انتظار برآورده شدن خواسته‌هایش را دارد (اریکسون، ۱۳۹۹: ۶۶). روایات نیز از کودک تا هفت سالگی با عنوان "سید" یاد کرده و بر لزوم اجابت منطقی خواسته‌ها و احترام به او تأکید دارند (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۲۲۲؛ قمی، ۱۴۱۴ ق: ۵۸۰/۸).

تبادل بین اعتماد و بی‌اعتمادی برای رشد سالم ضروری است (آنسلمو، ۱۳۷۹: ۳۲). اعتماد بیش از حد می‌تواند منجر به ساده‌لوحی و بی‌اعتمادی افراطی به ناکامی و بدبینی شود (فیست و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۹). اریکسون معتقد است ترکیبی بهینه از این دو، برای سازگاری لازم است و اعتماد، نوعی خوش‌بینی معقول است (فیست و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۵). او هر مرحله را با دو قطب مثبت و منفی تعریف می‌کند و بر غلبه قطب مثبت تأکید دارد. کودک باید بی‌اعتمادی را نیز تا حدی تجربه کند تا با بصیرت بیشتری اعتماد نماید (کرین، ۱۴۰۰: ۴۴۹). در آموزه‌های دینی نیز گاهی عباراتی به ظاهر در نکوهش برخی حالات کودک آمده است که می‌توان آن را تأکیدی بر لزوم مواجهه با جنبه ناسازگار و سختی‌ها برای رشد دانست (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۳۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۲). این می‌تواند به معنای نیاز به تجربه‌ی میزانی از بی‌اعتمادی برای یادگیری صبر و استقامت باشد، چرا که بلاها و مشکلات نیز می‌توانند زمینه‌ساز رشد انسان شوند (بقره: ۱۵۵).

افراط در محبت به فرزندان از دیدگاه امام باقر (ع) بدترین نوع پدری معرفی شده است (یعقوبی، بی‌تا: ۲/ ۳۲۰). بنابراین، ترکیبی متعادل از اعتماد و بی‌اعتمادی با غلبه اعتماد ضروری به نظر می‌رسد.

کیفیت روابط اجتماعی نوزاد با اطرافیان، به‌ویژه مادر، در رفع نیازهای او بسیار مهم است (کیانپور قهفرخی و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۹). میزان اعتماد کودک به محیط اجتماعی، به کیفیت روابط او با مادر بستگی دارد (اریکسون، ۱۳۹۹: ۶۹) و اریکسون کیفیت این روابط را حتی مهم‌تر از صرف تغذیه می‌داند (کدیور، ۱۳۹۶: ۹۶). اضطراب مادر هنگام شیر دادن می‌تواند در کودک بی‌اعتمادی ایجاد کند. آموزه‌های اسلامی نیز به اهمیت کیفیت رابطه مادر و کودک تأکید فراوان دارند. روایات به انتخاب دایه مناسب و صالح توصیه کرده‌اند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ ق: ۱۰۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲/ ۶۱۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۲۱/ ۴۶۵) و حتی به شیر دادن از هر دو سینه برای تعادل توصیه شده است (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۱/ ۴۲۴).

اریکسون بر نقش محوری مادر در ایجاد اعتماد تأکید می‌کند (اریکسون، ۱۳۹۹: ۶۹). سپردن نوزاد به دیگران در اوایل کودکی می‌تواند منجر به اختلال در شیر خوردن و ایجاد بی‌اعتمادی شود (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳ م:

۲۷۵؛ غفاری، حمزه لو مقدم، ۱۳۹۰: ۱۲۰). از دیدگاه اسلام، جایگاه مادر بسیار رفیع و ارزشمند است (قضاعی، ۱۳۶۱: ۴۱). وحی به مادر موسی (ع) برای شیر دادن به او و تلاش الهی برای بازگرداندن او به مادرش (قصص: ۷ و ۱۲) نشان‌دهنده اهمیت شیردهی توسط مادر است. هزینه شیردهی در قرآن بر عهده پدر قرار داده شده (بقره: ۲۳۳)؛ و برای شیردهی مادران پاداشی معادل آزادی بنده ذکر شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۱). مادران شیرده در اسلام تکریم شده و حق دریافت دستمزد برای شیردهی دارند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ ق: ۴۰۵). حتی در صورت طلاق، نفقه زنان باردار و اجرت شیردهی بر عهده مردان است (طلاق: ۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲/۳۵۴). حداکثر زمان شیردهی نیز در قرآن دو سال است؛ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ (بقره: ۲۳۳).

گاز گرفتن سینه توسط نوزاد می‌تواند نشانه‌ای از بی‌اعتمادی باشد (اریکسون، ۱۳۹۹: ۶۶)؛ اگر کودک اعتماد کند، سینه را گاز نمی‌گیرد (کرین، ۱۴۰۰: ۴۴۶). برای ایجاد اعتماد، شیردهی منظم و پاسخگو اهمیت دارد (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ ق: ۱/۲۲۸). امام علی (ع) شیر مادر را بهترین شیر برای کودک دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ۲۳/۱۳۶۳). روایات اجازه می‌دهند مادر حتی در حال نماز به کودک خود شیر دهد (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۲/۳۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۴/۵۰۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۳/۲۳۰). رفتار والدین، به‌ویژه آرامش و اعتماد به نفس آن‌ها، در ایجاد اعتماد کودک مؤثر است (اریکسون، ۱۳۹۹: ۶۹؛ کرین، ۱۴۰۰: ۴۴۷). قرآن به پاکی والدین حضرت مریم (س) اشاره دارد که زمینه‌ساز پاکی فرزند است؛ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا (مریم: ۲۸). همچنین بازگشت موسی (ع) به آغوش مادرش موجب آرامش و حفظ اعتماد او و مادرش شد؛ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (قصص: ۱۳).

بحران‌های این مرحله شامل از شیر گرفته شدن و دندان درآوردن است. از شیر گرفتن می‌تواند برای کودک نوعی محرومیت دوگانه باشد و به ناامنی و غم منجر شود (سیف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۱). مادر نباید ناگهان هم شیر و هم حضور عاطفی‌اش را از کودک دریغ کند، زیرا ممکن است کودک دچار افسردگی شود (اریکسون، ۱۳۹۹: ۶۶). در قرآن، علاقه مادر به نوزاد به طور غیرمستقیم در قالب توصیف وحشت روز قیامت بیان شده است؛ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلُّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (حج: ۲). آغوش مادر در این دوران بسیار مهم است و مادران هنگام از شیر گرفتن باید تنها تغذیه با شیر را قطع کرده و همچنان آغوش و محبت خود را در اختیار کودک قرار دهند (کرین، ۱۴۰۰: ۴۴۶).

اریکسون معتقد است فرد معتقد به مذهب از طریق ایمان خود، اعتماد بنیادین را به کودکان منتقل می‌کند (اریکسون، ۱۳۹۹: ۷۲). والدین مؤمن با عمل به دستورات دینی مرتبط با نوزاد، مانند گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد (بروجردی، ۱۳۸۶: ۷۴۰/۲۶)، دادن خرما به زن پس از زایمان (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۱۶/۳۸۵)، ختنه

کردن در روز هفتم (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۱/ ۴۱۰)، انتخاب نام نیکو، کوتاه کردن مو و انجام عقیقه (ترمذی، بی تا: ۱۳۲/۵)، در ایجاد حس اعتماد در نوزاد مؤثرند.

نقد مرحله دوم (خودگردانی در برابر شرم و تردید: ۱ تا ۳ سالگی):

این مرحله در سال‌های دوم و سوم زندگی رخ می‌دهد (ERIKSON, 1950: 234). کودکان در این دوره تمایل به نگهداری و رهاسازی اشیاء را نشان می‌دهند. گذر موفقیت‌آمیز از این مرحله به عشق، همکاری و احساس آزادی منجر شده و از بروز نفرت، لجبازی و سرکوب جلوگیری می‌کند (اریکسون، ۱۳۹۹: ۷۵). آسیب ناشی از اجبار و سخت‌گیری در این مرحله می‌تواند به شرم، تردید، وسواس و کاهش عزت نفس منجر شود (فیست و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۲؛ دانش و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

روایات اسلامی نیز به این موضوع توجه دارند. نمونه آن، منع کودکی از بازی با انگشتر پیامبر (ص) توسط پدرش و واکنش پیامبر ("او را رها کن") است (ابن حبان، ۱۴۱۴ ق: ۳/ ۲۸۳؛ حمیدی، ۱۴۲۳ ق: ۴/ ۳۰۶) که نشان می‌دهد برخورد شدید با کودک در این سنین مناسب نیست؛ زیرا اعتماد به نفس و سلامت روحی او را خدشه‌دار می‌کند. داستان خودداری پیامبر (ص) از دادن شربت به اصحاب به دلیل مخالفت کودک حاضر در مجلس (مالک بن انس، ۱۴۰۶ ق: ۲/ ۹۲۷) نیز بر اهمیت احترام به خواسته و انتخاب کودک تأکید دارد. عبارت "همانا خاک تفریحگاه کودکان است" (طبرانی، ۱۴۱۵ ق: ۶/ ۱۴۰؛ قضاعی، ۱۴۰۷ ق: ۱۸۵؛ سیوطی، ۱۴۲۳ ق: ۳۸)، در پاسخ به اصحابی که می‌خواستند مانع خاکبازی کودکان شوند، نشان می‌دهد که اجازه بازی آزادانه، به تقویت اعتماد به نفس و روابط اجتماعی کودک کمک می‌کند.

تکریم کودکان در این مرحله و رفتار توأم با احترام، به شکل‌گیری حس استقلال و عزت نفس در آن‌ها کمک می‌کند. قرآن بر کرامت انسان تأکید دارد؛ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۷۰). روایات نیز بر تکریم فرزندان و آموزش آداب نیک به آن‌ها تأکید کرده‌اند ("أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ" حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۱/ ۴۷۶). سلام کردن پیامبر (ص) به کودکان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق: ۲/ ۸۱) و نوازش روزانه آن‌ها (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق: ۸۹) از مصادیق تکریم و تقویت حس مهم بودن در کودکان است.

از منظر اریکسون، در مرحله‌ای از رشد، امکان بروز حسادت در کودک نسبت به خواهران و برادران کوچک‌تر وجود دارد (اریکسون، ۱۳۹۹: ۸۸). در دیدگاه اسلامی با استناد به آیه «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)، این حسادت را نمی‌توان ذاتی تلقی کرد؛ چرا که از منظر منابع اسلامی، محصول رفتارهای نامناسب محیطی و والدین می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۱۸/۱۶). این دیدگاه بر پایه‌ی روایاتی است که بر پاکی فطرت توحیدی انسان تأکید دارند؛ مطابق این روایات، خداوند همه‌ی انسان‌ها را بر اساس شناخت توحید و با پذیرش پیمان الهی (میثاق) در سرشتی پاک آفریده است، به طوری که کفر و انحراف، اموری اکتسابی و ناشی

از عوامل بیرونی قلمداد می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۲/۲). علامه طباطبایی نیز با استناد به آیاتی چون «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰) و «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» (اعلی: ۲-۳)، که از لسان حضرت موسی (ع) می‌باشند، نتیجه می‌گیرد که فطرت الهی انسان‌ها، پاک و هدایت‌شده به سوی توحید و سعادت است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۶/۱۷۸). نمونه‌های عملی این اصل اخلاقی در سیره‌ی معصومان (ع) مشهود است؛ از جمله، روایت شده که پیامبر (ص) پدری را که تنها یکی از فرزندان را می‌بوسید، نهی کردند (راوندی، بی‌تا: ۶؛ ابن‌اشعث، بی‌تا: ۵۵) و امام (ع) توصیه فرمودند محبت بیشتر به یکی از فرزندان در حضور دیگران پنهان شود (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۲/۱۶۶)، که این موارد بر نقش کلیدی رفتار عادلانه‌ی والدین در پیشگیری از بروز حسادت تأکید می‌کنند.

والدین نباید کودک را در فرآیند آموزش توالیت تحت فشار قرار دهند یا در تخیلی او بیش از حد دخالت کنند، چرا که این امر باعث شرمندگی او می‌شود. روایات در این دوره مخالف با تنبیه کودکان بوده و دستور به رهاسازی و بازی آن‌ها در هفت سال اول داده‌اند ("يُرْخِي الصَّبِيَّ سَبْعًا..." طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۲۲۳). توصیه به مهربانی و چشم‌پوشی از خطاهای کودکان در امر آموزش (حرعاملی، ۱۳۸۰: ۳۷) و نهی امام علی (ع) از تربیت همراه با خشم ("لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ" تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۷۷۰) نیز بر این موضوع تأکید دارد.

در فرآیند رشد، تعامل بین عنصر سازگار (خودگردانی) و ناسازگار (شرم و تردید) وجود دارد و خودگردانی باید بر شرم و تردید غلبه کند (فیست و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۱). والدین باید با کودک محکم و در عین حال صبور باشند (اریکسون، ۱۳۹۹: ۷۸). حمایت بیش از حد یا فقدان حمایت کافی می‌تواند باعث شک کودک در توانایی‌هایش شود (کدیور، ۱۳۹۶: ۹۷). آزادی کودک در انتخاب و دوری از مراقبت بیش از حد، به کسب استقلال و کاهش تردید و شک منجر می‌شود (کدیور، ۱۳۹۶: ۹۳). البته استقلال نباید با خودپسندی اشتباه گرفته شود ("رضاء العبد عن نفسه برهان سخافه عقله" لیشی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۳؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۸۹).

سختگیری یا شروع زود هنگام آموزش توالیت، که کودک را از تلاش‌های طبیعی‌اش برای کنترل بدن باز می‌دارد، می‌تواند باعث شکست مضاعف و در نتیجه کینه‌توزی و لجبازی کودک شود (اریکسون، ۱۳۹۹ ش: ۷۵). شرم‌نده کردن کودک به دلیل آلودگی نیز باعث ایجاد شرم و شک در او می‌شود، در حالی که تشویق و روحیه‌دهی، استقلال و خودگردانی را تقویت می‌کند (کرین، ۱۴۰۰: ۴۵۲). بحران اصلی این مرحله، غالباً حول آموزش توالیت است (ERIKSON, 1950: 222) و اجبار کودک به استفاده از مکان‌های خاص برای تخیلی، مانع رشد استقلال او می‌شود (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳ م: ۲۷۶). سیره پیامبر (ص) مخالف فشار آوردن به کودکان در امر تخیلی بوده است (طبرسی، ۱۳۶۵: ۵۰/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۶/۲۴۰). حدیث امام رضا (ع) نیز بر عدم حبس ادرار تأکید دارد ("... وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَشْتَكِيَ مَثَانَتَهُ فَلَا يَحْبِسِ الْبَوْلَ..." امام رضا ع، ۱۴۰۲ ق: ۳۵؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق: ۲۲۹/۵).

نقد مرحله سوم (ابتکار عمل در برابر احساس گناه؛ ۳ تا ۶ سالگی):

این مرحله (سنین سه تا شش سالگی) مربوط به رشد ابتکار عمل است (ERIKSON, 1950: 234). در این دوره، شکل‌گیری نقش جنسی اهمیت پیدا می‌کند (قره داغی، مبینی کشه، ۱۳۹۹: ۲۳۶). کنجکاوی‌های جنسی آغاز شده و کودکان درک بیشتری از تفاوت‌های جنسی پیدا می‌کنند (برک، ۲۰۱۴: ۵۳۱؛ سیف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۳). قرآن بر لزوم اجازه گرفتن کودکان نابالغ هنگام ورود به فضای خصوصی والدین تأکید دارد؛ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ... (نور: ۵۸). همچنین نسبت به مسائل جنسی کودکان حساسیت نشان داده و بر جدا کردن رختخواب آن‌ها در سنین خاص و منع نگاه والدین و فرزندان به اندام تناسلی یکدیگر تأکید دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۰۳/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۱/۹۶).

ایده اریکسون مبنی بر وجود میل جنسی کودک به والدین، در اسلام جایگاهی ندارد و با اصل پاکی فطرت انسان ناسازگار است. اگر کودک در انجام کارها آزاد گذاشته شود و به سوالاتش با صبر و حوصله پاسخ داده شود، حس ابتکار در او تقویت می‌شود (کدیور، ۱۳۹۶: ۹۳). توانایی‌های ذهنی و حرکتی کودک در این مرحله در حال رشد است و او از انجام کارها و پیگیری اهداف لذت می‌برد (واحدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰۴؛ ERIKSON, 1950: 225). قرآن نیز به اهمیت سؤال پرسیدن و جستجوی دانش اشاره دارد؛ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل: ۴۳).

اریکسون ترس از دست دادن جان یا عضوی از بدن به دلیل خیالات جنسی را به عنوان یکی از خصوصیات این مرحله یاد می‌کند (اریکسون، ۱۳۹۹: ۸۸). اما ترسی که کودک فی نفسه در خود حس می‌کند از نظر آموزه‌های دینی منتفی است؛ چرا که ترس، از صفات ناپسند و زشت است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۹۸) و خدایی که انسان را پاک آفریده، در ذات او را ناپاکی و زشتی قرار نخواهد داد؛ چرا که اجتماع نقیضین محال است و این از بدیهیات است (اهل سرمدی، شانظری، ۱۳۹۴: ۶۸)؛ و خداوند کار محال انجام نمی‌دهد.

تنبیه بدنی کودکان در اسلام، به‌ویژه در سنین پایین، پذیرفته نیست (کدیور، ۱۳۹۶: ۹۸) و روایات تا هفت سالگی، همانگونه که قبلاً ذکر شد، دستور به رهاسازی و بازی کودک داده‌اند.

دیدگاه اریکسون در مورد تمایلات جنسی کودک به والدین و احساس گناه ناشی از آن، با مبانی اسلامی در تعارض است. اریکسون از وجدان سخن به میان می‌آورد (اریکسون، ۱۳۹۹: ۸۹) که کودک را از این تمایلات منع می‌کند. از دیدگاه اسلام، کودک نباید به مسائل جنسی حساس شود و والدین باید این مسائل را از او پنهان کنند (بحرانی، ۱۴۱۱: ۳۴۵/۴). تعامل سالم بین ابتکار عمل و احساس گناه به این معناست که ابتکار عمل افسارگسیخته منجر به بی‌اخلاقی نشود و احساس گناه غالب نیز منجر به خجالتی شدن و عدم تحرک کودک نگردد (فیست و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳۴).

اریکسون معتقد است دختران به پدر و پسران به مادر میل جنسی پیدا کرده و حسادت به والد همجنس می‌تواند منجر به اضطراب شود (اریکسون، ۱۳۹۹: ۸۶). اما از دیدگاه اسلام، این نظریه صحیح نیست، زیرا فطرت انسان پاک آفریده شده است (روم: ۳۰). فراء در تفسیر این آیه با استناد به حدیث مشهور کل مولود یولد علی الفطره

حتی یکون أبواه اللذان ينصرّانه أو يهودّانه، (یعنی: هر نوزادی بر فطرت (یکتاپرستی) زاده می‌شود، تا این که پدر و مادرش او را نصرانی یا یهودی می‌کنند) توضیح می‌دهد که مقصود از «فَطَرَتَ اللَّهُ الْآلِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» این است که هر نوزادی بر اساس شناخت فطری خداوند و یکتاپرستی متولد می‌شود و این والدین او هستند که پس از تولد، او را یهودی یا نصرانی می‌کنند. در ادامه تأکید می‌کند که فطرت الهی به این معناست که خداوند بندگان را به گونه‌ای آفریده که ذاتاً و غریزتی می‌دانند پروردگار و مدبّرری دارند (فراء، ۱۹۸۰: ۳۲۴/۲).

علاوه بر این در برخی آیات قرآن صراحتاً دستور به رعایت احتیاط نسبت به مسائل جنسی و لزوم اجازه گرفتن کودکان نابالغ برای ورود به اتاق والدین داده شده است (نور: ۵۸). برخی تفاسیر ذیل این آیه، با تأکید بر لزوم استیذان (اجازه‌گیری) دو گروه «الذین ملکتم أیمانکم» (بردگان) و «الذین لم يبلغوا الحلم منکم» (کودکان به سن بلوغ نرسیده) از والدینشان، بر حساسیت اسلام در زمینه حفظ حریم‌های جنسی و تربیت صحیح کودکان تأکید کرده‌اند؛ همچنین سه زمان خاص که «عورات» برای افراد محسوب می‌شوند، یعنی قبل از نماز فجر، هنگام ظهر (وقت قیلوله) و پس از نماز عشاء، را مشخص نموده؛ این تأکید بیشتر در مورد کودکان، و در راستای آموزش مرزهای اخلاقی و پیشگیری از مواجهه‌ی نابجای آنان با صحنه‌هایی است که ممکن است به‌طور معمول با برهنگی همراه باشد؛ این تفاسیر نشان می‌دهند که اسلام با در نظر گرفتن چنین تمهیداتی، خواهان تقویت حریم‌داری در محیط خانواده و افزایش هوشیاری والدین در قبال تربیت جنسی فرزندان، حتی در سال‌های پیش از بلوغ است. (طبرانی، ۲۰۰۸: ۴۴۷/۲۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۱۵/۲۴)

در این مرحله، کودک وارد دنیای بازی با همسالان می‌شود و نقش والدین و بزرگسالان را تقلید می‌کند (اریکسون، ۱۳۹۹: ۸۳ و ۸۵؛ سیف و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۳). اسلام نیز بازی کودکان را امری مهم و ضروری برای رشد آن‌ها می‌شمرد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ۳/۴۸۳؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ق: ۲/۳۸۷). بر خلاف اریکسون (اریکسون، ۱۳۹۹: ۸۷) که گاه بازی دختران را متفاوت و ناشی از مسائل روانی خاص می‌داند، اسلام تفاوتی در ماهیت و اهمیت بازی برای دختران و پسران قائل نیست (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۳). دستور به آموزش شنا و تیراندازی به فرزندان (اولاد) شامل دختران و پسران می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۱/۴۴۲)؛ و اگر در جایی دختران را به برخی بازی‌ها مانند نخ‌ریسی سفارش کرده است، در مقابل این سفارش، پسران را به تیراندازی توصیه کرده است (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۳)؛ و این سفارشات صرفاً ناشی از تفاوت‌های جسمی پسران و دختران با یکدیگر است نه عقده، یا کمبود در دختران.

نقد مرحله چهارم (کارایی/سخت‌کوشی در مقابل احساس حقارت؛ ۶ تا ۱۱ سالگی):

این مرحله (سنین شش تا یازده سالگی) مربوط به رشد کارایی است که در واقع از شش سال تا دوران پیش از بلوغ را شامل می‌شود (ERIKSON, 1950: 234). در این دوره، کودک تمایل به آموزش و یادگیری دارد (اریکسون، ۱۳۹۹: ۹۳). این دوره از نظر اجتماعی بسیار مهم است و حس تقسیم کار و برابری فرصت در آن شکل می‌گیرد (اریکسون، ۱۳۹۹: ۱۰۰). کودکان مسئولیت‌پذیری را پرورش می‌دهند و اگر انتظارات

بزرگسالان با انگیزه کودک برای تسلط بر تکالیف ترکیب شود، کودک احساس شایستگی می‌کند (برک، ۲۰۱۴ م: ۱/ ۶۷۰). آموزه‌های دینی نیز بر آموزش کودک در این سنین تأکید فراوان دارند. حضرت لقمان فرزندش را به توحید و نماز دعوت می‌کند (لقمان: ۱۳ و ۱۷). امام علی (ع) بر اهمیت تربیت کودکان پیش از آنکه دل‌هایشان سخت شود، تأکید دارند (ابن طاووس، ۱۳۷۵ ش ص ۲۲۳). کودک در هفت سال دوم عمر، آماده پذیرش دستورات و آموزش است. تربیت در اسلام حقی است بر گردن پدر و مادر (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۴۸/۶)، و این آموزش شامل مسائل علمی، اجتماعی و حتی ورزشی است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۴۷/۶). یادگیری در کودکی بسیار پایدارتر از بزرگسالی است (مجلسی، بی تا: ۱۴۴). قلب کودک در این سن مانند زمین آماده کشت است و هرچه در آن کاشته شود، به خوبی می‌پذیرد (شریف الرضی، ۱۴۰۶ ق: ۱۱۶).

اریکسون اشاره می‌کند که کودکان ممکن است به دلیل رویاهای اضطراب‌آور دچار خیال‌پردازی و گاه عاداتی مانند خودارضایی شوند (اریکسون، ۱۳۹۹: ۹۶). از دیدگاه اسلام، اگر کودک به سن بلوغ رسیده و عامدانه عمل استمنا را انجام دهد، این عمل حرام است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ق: ۳۶۹/۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۸/ ۳۶۴).

اما اگر کودک به بلوغ نرسیده و این رفتار به صورت غیرارادی یا صرفاً به عنوان اکتشاف بدن باشد، حکم خودارضایی بر آن بار نمی‌شود، چرا که محال است خداوندی که فطرت انسان را پاک خلق کرده است، در همان فطرت، امری قرار دهد که از نظر دین حرام و ناپسند است (بروجردی، ۱۳۸۶: ۷۴۶/۳۰؛ با این وجود، اسلام بر لزوم احتیاط و دور کردن کودک از زمینه‌های تحریک‌کننده تأکید دارد.

اریکسون تعادلی بین کارایی (سازگار) و احساس حقارت (ناسازگار) را لازم می‌داند و معتقد است میزانی از احساس حقارت می‌تواند نیروی محرکه‌ای برای تلاش بیشتر باشد (فیست و همکاران، ۱۳۹۸ ش: ۳۳۶). از دیدگاه اسلام، کودک باید در فعالیت‌ها و تلاش‌هایش مورد تأیید و تشویق قرار گیرد تا هم اعتماد به نفس و کارایی پیدا کند و هم احساس مفید بودن نماید. انسان به تلاش و کوشش تشویق شده (مدثر: ۳۸) و آنچه به دست می‌آورد، نتیجه تلاش خود اوست. اما فشار بیش از حد بر کودک جایز نیست و ممکن است او را به سمت رفتارهای نامناسب مانند سرقت سوق دهد (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۹/ ۶۹۱). احساس حقارت (از درون) باید تا حدی وجود داشته باشد که کودک را به تلاش بیشتر وادارد، اما نباید این حس از سوی دیگران، به‌ویژه مربیان و والدین، به او القا شود؛ حق خردسال بر معلم این است که با او مهربانی کند و از خطایش بگذرد (حرعاملی، ۱۳۸۰: ۳۷).

کودک در این سن به دنبال انجام کارهای منطقی و واقع‌بینانه است و تمایل به مشارکت در دنیای بزرگسالان دارد (اریکسون ۱۳۹۹: ۹۴). مدرسه در این مرحله اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و کودک به خواندن و نوشتن و یادگیری مهارت‌های جدید علاقه‌مند می‌شود. مدرسه باید مهارت‌هایی مانند تقسیم کار و مسئولیت‌پذیری را به کودکان بیاموزد (سیف و دیگران ۱۳۹۵: ۱۲۴). اسلام آموزش را امری تعادلی و متناسب با توانایی کودک

می‌داند (بقره: ۲۸۶). روایات بر آموزش تدریجی عبادات مانند نماز و روزه از سنین پایین (هفت سالگی به بعد) تأکید دارند (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۳۸۰؛ طوسی، ۱۳۹۰ ق: ۲/۱۲۳). گاهی احساس حقارت در کودک به دلیل عدم عبور موفقیت‌آمیز از مراحل قبلی رشد است. اگر کودک این مرحله را با موفقیت پشت سر بگذارد، دارای نیروی شایستگی و کارآمدی می‌شود (کرین، ۱۴۰۰: ۴۵۶). جایگاه والدین و معلمان در این مرحله بسیار مهم است. در اسلام، چشم‌پوشی از برخی خطاهای فرزند و برخورد توأم با مهربانی توصیه شده است (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۷). معلم نیز نباید با خشم و تندى با دانش‌آموزان برخورد کند (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق: ۷۴/۴)، باید همه شاگردان را با یک چشم ببیند (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۱۸۵)، و دانش را با مهربانی و عطوفت به آن‌ها بیاموزد (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰ ق: ۱۴/۱۳۹).

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، در یک مطالعه‌ی میان‌رشته‌ای، چهار مرحله‌ی نخست (تولد تا ۱۱ سالگی) از مراحل رشد کودک در نظریه روانی-اجتماعی اریکسون با آموزه‌های قرآنی و روایی مقایسه و الگوی اسلامی رشد کودک مستخرج از این منابع تبیین گردید. یافته‌ها نشان می‌دهند بسیاری از اصول مطرح‌شده در چهار مرحله اول اریکسون با تعالیم اسلامی هم‌خوانی دارند، هرچند تفاوت‌ها و حتی تناقض‌هایی نیز در برخی موارد، به‌ویژه در مبانی انسان‌شناختی و تفاسیر خاص، مشاهده می‌شود. الگوی اسلامی رشد، بر پایه فطرت توحیدی کودک و با هدف تربیت متوازن در ابعاد فردی، اجتماعی و معنوی، چارچوبی هدفمند ارائه می‌دهد.

در مرحله اول (اعتماد در برابر بی‌اعتمادی)، هر دو دیدگاه بر اهمیت ایجاد اعتماد پایدار در کودک از طریق رابطه عاطفی عمیق با مادر، شیردهی، پاسخگویی به نیازهای اولیه و ایجاد محیطی امن تأکید دارند. بی‌توجهی می‌تواند به بی‌اعتمادی منجر شود. از دیدگاه دینی، پرورش این ویژگی در کودک، وظیفه‌ای اخلاقی و مذهبی است که با آداب خاصی نیز همراه است. اما الگوی اسلامی رشد در این مرحله تأکید دارد بر تأمین فوری نیازهای عاطفی و جسمانی برای ایجاد حس امنیت و اعتماد پایه و این الگو بر پایه فطرت توحیدی کودک و با هدف تربیت متوازن در ابعاد فردی، اجتماعی و معنوی، چارچوبی هدفمند ارائه می‌دهد.

در مرحله دوم (خودمختاری در برابر شرم و تردید)، تمرکز اصلی بر آموزش توالی و استقلال‌یابی کودک است. هر دو دیدگاه بر عدم اجبار و فشار تأکید دارند، زیرا روش‌های تحمیلی به آسیب‌های روان‌شناختی و جسمانی منجر می‌شوند. رعایت عدالت در رفتار با فرزندان و تشویق استقلال کودک با حفظ تعادل از نکات مشترک است.

الگوی اسلامی رشد، در این مرحله به آموزش تدریجی استقلال و قوانین اولیه بدون تحقیر و با صبر اشاره دارد؛ همچنین بر کسب «تدریجی مهارت خودکنترلی» (عفت) تأکید دارد که در آینده به عنوان یک فضیلت اخلاقی متبلور خواهد شد.

در مرحله سوم (ابتکار در برابر احساس گناه)، نقش والدین در هدایت تمایلات کودک به سمت اهداف ارزشمند برای تقویت ابتکار عمل و کاهش احساس گناه، مورد تأکید هر دو دیدگاه است. اما در موضوع تمایلات جنسی، تفاوت نظری اساسی وجود دارد؛ اریکسون آن‌ها را ذاتی و بخشی از رشد طبیعی می‌داند، در حالی که اسلام کودکان را فاقد چنین گرایش‌هایی به شکل مطرح شده توسط اریکسون (مانند عقده ادیپ) دیده و بر پاکی فطرت و لزوم حفظ حریم‌ها تأکید دارد. همچنین، مفهوم «حسادت جنسی» در دختران که اریکسون مطرح می‌کند، با دیدگاه اسلامی که بر برابری ارزش ذاتی دختر و پسر تأکید دارد، سازگار نیست. الگوی اسلامی رشد هدایت انرژی کودک به بازی‌های مفید و آموزش غیرمستقیم ارزش‌ها و حریم‌ها را در دستور کار قرار می‌دهد؛ یعنی این الگو به جای تمرکز بر کشمکش‌های درونی صرفاً زیستی، بر «هدایت انرژی خلاقانه کودک» به سمت فعالیت‌های مفید و آموزه‌های اخلاقی برای پرورش «مثبت» بدون تحمیل احساس گناه مخرب تأکید می‌ورزد.

در مرحله چهارم (سخت‌کوشی در برابر حقارت)، هر دو دیدگاه، این مرحله را دوره طلایی یادگیری و کسب مهارت می‌دانند. آموزش همراه با محبت و روش‌های صحیح تربیتی می‌تواند شایستگی و کارآمدی کودک را تقویت کرده و از احساس حقارت جلوگیری کند. الگوی اسلامی رشد سفارش می‌کند به عادت دادن به نظم و کسب مهارت‌های زندگی و مسئولیت‌پذیری؛ همچنین این الگو، کسب شایستگی (کفایت) را در این مرحله نه تنها برای موفقیت دنیوی، بلکه به عنوان مقدمه‌ای برای «تعالی معنوی» و «خدمت به خلق» (به عنوان یک عبادت) می‌داند و بر نیت خیر در یادگیری تأکید می‌کند.

اریکسون احتمال بروز استمنای غیرارادی را در اثر فشارهای روانی مطرح می‌کند، در حالی که اسلام، استمنای عمدی حتی پیش از بلوغ را اگر با قصد و آگاهی باشد، حرام می‌داند، و در مواردی که عمد در کار نیست، اینکه بگوییم کودک خود به خود استمنای می‌کند، محال است؛ همچنین بر دور نگه داشتن کودک از زمینه‌های تحریک‌کننده تأکید دارد. این تفاوت، نشان‌دهنده رویکرد پیشگیرانه و محیط‌محور الگوی اسلامی در مقابل رویکرد واکنشی و ذهن‌محور صرف در برخی تفسیرهای روان‌شناختی است.

نظریه اریکسون، با وجود توجه به جنبه‌های اجتماعی رشد و بحران‌های هویتی، در برخی مبانی انسان‌شناختی، به‌ویژه در نگاه به طبیعت کودک و مسائل جنسی، با آموزه‌های اسلامی فاصله دارد. این پژوهش نشان داد که آموزه‌های اسلامی، که می‌توان آن را «الگوی اسلامی رشد کودک» نامید، چارچوبی جامع‌تر و متعادل‌تر برای رشد کودک ارائه می‌دهند که هم به نیازهای مادی و روانی و هم به ابعاد معنوی و اخلاقی توجه دارد. این الگو، رشد را نه صرفاً برای حل بحران‌های درونی، بلکه به عنوان «سفر تدریجی به سوی کمال» بر مبنای فطرت الهی می‌نگرد.

پیشنهادهای پژوهشی:

برای پژوهش‌های آتی، بررسی تطبیقی سایر مراحل رشد اریکسون (به‌ویژه نوجوانی و بزرگسالی) به صورت تفصیلی با آموزه‌های اسلامی پیشنهاد می‌شود. همچنین، انجام مطالعات میدانی برای بررسی تأثیر عملی الگوهای تربیتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر شاخص‌های رشد روانی-اجتماعی کودکان و نوجوانان می‌تواند مفید باشد. تدوین بسته‌های آموزشی برای والدین و مربیان بر اساس یافته‌های چنین پژوهش‌هایی نیز توصیه می‌شود. به طور کلی، با وجود شباهت‌های قابل توجه در برخی توصیه‌ها و مراحل کلی، تفاوت‌های اساسی در مبانی انسان‌شناختی و برخی مفاهیم خاص (مانند ماهیت تمایلات جنسی کودکان و تفاوت‌های جنسیتی در برخی تعبیر) بین نظریه اریکسون و آموزه‌های اسلامی وجود دارد. با این حال، توجه به نقاط مشترک و تحلیل انتقادی تفاوت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تدوین الگوهای تربیتی جامع‌تر و منطبق با فرهنگ اسلامی باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ ق)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، قم، دار سید الشهداء للنشر.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی تا)، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، الأمالی (للصدوق)، تهران، کتابچی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ ق)، التوحید، قم، جامعه مدرسین.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. ابن حبان، محمد بن حبان، (۱۴۱۴ ق)، صحیح ابن حبان، بیروت، مؤسسه الرساله.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ ق)، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
۱۰. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، قم، علامه.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۵)، کشف المحجّه لثمره المهجّه، قم، بوستان کتاب.
۱۲. ابن فهد حلی، جمال الدین، (۱۴۰۷ ق)، عدّه الداعی و نجاح الساعی، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۳. احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶ ق)، مکاتیب الأئمه علیهم السلام، قم، دارالحدیث.
۱۴. اریکسون، اریک. اچ، (۱۳۹۹)، مقدمات روانشناسی اریکسون، ترجمه سهیلا خداوردیان و سعید حسنزاده، تهران، پندار تابان.

۱۵. آقایی، سیدعلی، (۱۳۹۶)، اریک اریکسون (۱۹۹۴-۱۹۰۲ م)، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی طعم زندگی، سال دوم، شماره ششم، صص ۱۲۶-۱۱۹.
۱۶. امام رضا ع، (۱۴۰۲ ق)، طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، قم، دارالخيام.
۱۷. آنسلمو، ساندرا، (۱۳۷۹)، رشد در دوره کودکی، پیش از تولد تا هشت سالگی، ترجمه علی آخشینی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۸. اهل سمردی، نفیسه؛ شانظری، جعفر، (۱۳۹۴)، ابن عربی و اجتماع نقیضین در عرصه خیال، پژوهشنامه عرفان، سال نهم، شماره هفدهم، صص ۸۵-۶۷.
۱۹. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۱ ق)، حلیه الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۰. برک، لورا، (۲۰۱۴ م)، روانشناسی رشد، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران.
۲۱. بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶)، جامع احادیث الشیعه (لبروجردی)، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۲۲. پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران، دنیای دانش.
۲۳. ترمذی، ابوعیسی، (بی تا)، الجامع الصحیح (سنن ترمذی)، القاهرة، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابي الحلبي وأولاده.
۲۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب الاسلامی.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۶. حمیدی، محمد بن فتوح، (۱۴۲۳ ق)، الجمع بین الصحیحین «البخاری و مسلم»، بیروت، دار ابن حزم.
۲۷. دانش، فرشته؛ بهنام، بهناز؛ هکمتی، زینب؛ اذانی، زهرا؛ میرشجاع، مینا سادات، (۱۳۹۹)، تاثیر بازی درمانی شناختی بر عزت نفس و اضطراب مبتلا به اختلال یادگیری، نشریه پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال سوم، شماره ۲۲، صص ۱۰۸-۹۹.
۲۸. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، (بی تا)، النوادر (لراوندی)، قم، دار الکتاب.
۲۹. سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کرمی نوری، رضا؛ لطفآبادی، حسین، (۱۳۹۵)، روانشناسی رشد (۱)، تهران، پورروشن.
۳۰. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۳ ق)، الفتح الکبیر فی ضم الزیاده إلى الجامع الصغیر، بیروت: دار الفکر.
۳۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۰۶ ق)، خصائص الأئمه علیهم السلام (خصائص أمير المؤمنين علیه السلام)، مشهد، آستان قدس رضوی.

۳۲. شعبانی، علیرضا، (۱۴۰۰)، تاثیر نابرابریهای اجتماعی و فقر بر رشد روانی اجتماعی افراد با تکیه بر نظریه رشد روانی اجتماعی اریک اریکسون، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۹۷-۱۸۲.

۳۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۰۹ ق)، منیه المريد، قم، مکتب الاعلام الإسلامی.

۳۴. شولتز، دوان. پی؛ شولتز، الن، (۲۰۱۳ م)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ویرایش.

۳۵. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۰)، جهاد النفس وسائل الشیعة، ترجمه افراسیابی، قم، نهانندی.

۳۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، مشهد، آستانه الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامیة.

۳۷. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات

۳۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر، تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن، دار الکتب الثقافی

۳۹. طبرانی، ابوالقاسم، (۱۴۱۵ ق)، المعجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیة.

۴۰. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۶۵)، مکارم الأخلاق، ترجمه میرباقری، تهران، فراهانی.

۴۱. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق)، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی.

۴۲. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۹۰ ق)، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۳. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۴. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.

۴۵. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق)، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامی.

۴۶. غفاری، سعیده؛ حمزهلو مقدم، مریم، (۱۳۹۰)، طب سنتی و اهمیت تغذیه نوزاد با شیر مادر، مجله طب سنتی اسلام و ایران، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۲۱-۱۲۱.

۴۷. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۴۸. فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰)، معانی القرآن (فراء)، قاهره، الهيئة المصریة العامة للكتاب.

۴۹. فیست، جس؛ جی. فیست، گریگوری؛ آنرا برتس، تامی؛ (۱۳۹۸)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر روان، ویراست هشتم.

۵۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ ق)، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المومنین علی علیه السلام.

۵۱. قره داغی، علی، مبینی کشه، فربیا، (۱۳۹۹)، مقایسه خودپنداره، نقش جنسیتی و بلوغ عاطفی در فرزندان با و بدون تجربه طلاق والدین، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۲۶۰-۲۳۱.

۵۲. قضاعی، ابو عبدالله، (۱۴۰۷ ق)، مسند الشهاب القضاعی، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۵۳. قضاعی، محمد بن سلامه، (۱۳۶۱)، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۴. قمی، عباس، (۱۴۱۴ ق)، سفینه البحار، قم، اسوه.
۵۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق)، کافی (ط - دار الحديث)، قم، دار الحديث.
۵۸. کدیور، پروین، (۱۳۹۶)، روانشناسی تربیتی، قم، گلها، چاپ هفدهم.
۵۹. کرین، ویلیام، (۱۴۰۰)، نظریه‌های رشد، ترجمه غلامرضا خوینژاد و علیرضا رجایی، تهران، انتشارات رشد، چاپ نهم، ویراست ششم.
۶۰. کیانپور قهفرخی، فاطمه؛ حقیقی، جمال؛ شکرکن، حسین؛ نجاریان، بهمن، (۱۳۸۱)، رابطه‌ی هفت مرحله‌ی اول نظریه‌ی رشد روانی اجتماعی اریکسون با مرحله هشتم آن - کمال در برابر نومیدی - در سالمندان استان خوزستان، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره سوم، سال نهم، ش ۱ و ۲، صص ۵۲-۱۷.
۶۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم، دارالحديث.
۶۲. مالک بن انس، (۱۴۰۶ ق)، المؤطا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۶ ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۶۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (بی تا)، بنادر البحار (ترجمه و شرح خلاصه کتاب العقل و العلم و الجهل ج ۱ و ۲ بحار الأنوار)، تهران، انتشارات فقیه.
۶۵. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، (۱۴۱۴ ق)، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۶۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۷. محرمی، رامین؛ حاجلو، نادر؛ شعاعی، ماسوله، مهری؛ (۱۳۹۰)، تحلیل روانشناختی شخصیت‌های داستانی هوشنگ مرادی براساس نظریه اریکسون ادیپووهی، شماره ۱۵، صص ۱۴۰-۱۲۱.
۶۸. مفضل بن عمر، (۱۳۷۹)، توحید مفضل، ترجمه، محمدباقر مجلسی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۷۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ ق)، استفتاءات جدید، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۷۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۹ ق)، رساله توضیح المسائل، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب
۷۲. انواری، فاطمه، (۱۳۹۶)، نقد و بررسی مراحل رشد فرد در دیدگاه اریکسون از منظر آموزه‌های دینی، دکتر علی محمدی آشنانی، دانشگاه علوم قرآنی تهران.
۷۳. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام.
۷۴. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، (۱۴۰۰ ق)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (خوئی)، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۷۵. واحدی، مهدی؛ قلتاش، عباس، چرخ آبی، پریسا، (۱۳۹۸)، تاثیر آموزش مفاهیم علوم به شیوه قصه گویی بر مهارت های اجتماعی و هوش کلامی نوآموزان دوزبانه دوره پیش دبستانی، نشریه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۸۱-۱۱۰.
۷۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.
77. Sneed, J. R., Whitbourne, S. K., & Culang, M. E. (2006). Trust, identity, and ego integrity: Modeling the psychosocial stages in adulthood. *Journal of Adult Development, 13*(3-4), 148–157. <https://doi.org/10.1007/s10804-007-9026-3>
78. Erikson, Erik H., Childhood and Society, New York: W. W. Norton & Company, (1950)
79. McLeod, S. A. (2018). Erik Erikson's stages of psychosocial development. Simply Psychology. <https://www.simplypsychology.org/Erik-Erikson.html>
80. Smarius LJ, Strieder TG, Loomans EM, Doreleijers TA, Vrijkotte TG, Gemke RJ, van Eijsden M. (2017), Excessive infant crying doubles the risk of mood and behavioral problems at age 5: evidence for mediation by maternal characteristics. Eur Child Adolesc Psychiatry; 26(3): 293-302.